

پرتاب لجن به چهره آفتاب و حقیقت، تبهکاریست

طشت رسوایی وزارت اطلاعات از بام بر زمین افتاد

در اواخر بهار سال 1387، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی که از زیر مجموعه های وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی می باشد، کتابی تحت عنوان: "چریک های فدایی خلق از نخستین کنش ها تا بهمن 1357" منتشر کرد. مطالعه کتاب مزبور نشان می دهد که این کتاب در راستای یکسری اهداف کاملاً مخرب و با نیت خشکاندن اندیشه پویای جوانان از طریق سوء تفسیر از مبارزات انقلابی و رادیکال دهه 50 به رشته تحریر در آمده است. مؤسسه مزبور جهت لاپوشانی نقش وزارت اطلاعات رسوای جمهوری اسلامی و جلب نظر خوانندگان البته کتاب را به عنوان کار شخصی فردی به نام محمود نادری که نامی ناشناخته می باشد نشر داده است. نویسندگان یا نویسندگان کتاب، با دست مایه قرار دادن گزارشات ساواک و ورق پاره های بدون امضاء و بدون سندیت بازجوئی ساواک شاهنشاهی عاری از مهر، از فرزندان فدایی خلق ایران، اقدام به تاریخ سازی کرده اند.

موردی که وادارم کرد تا این سطور را بنویسم نه نقد تاریخ سازی بغایت ارتجاعی و ناشی وار، جلادان که خود بسیار هم مهم می باشد، بلکه پرداختن به برخورد افراد و جریان هایی است که خود را بنوعی متعلق به تاریخ جنبش فدایی میدانند. به خصوص که هر وقت به تاریخ سازمان چریکهای فدائی می اندیشم چیزی در تار و پودم، همانند نسیم بهاری و تازه گی رویش گیاهان به وجدم آورده است.

تاکنون دو برخورد اساسی* در رابطه با کتاب تنظیم شده توسط مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی صورت گرفته است که اجمالاً نگاهی به این برخورد ها می اندازم. علمداران برخورد اول که اتفاقاً درست (به گفته خودشان) چند روز بعد از انتشار کتاب صورت گرفته، دقیقاً در راستای جو سازی و تلقین این موضوع قرار دارد که مطالب نوشته شده از سوی وزارت اطلاعات درست بوده و تنها انتقادی که به نویسنده!!! کتاب وارد هست بازی ندادن ما** در این لجن پراکنی و تهمت به مبارزین دهه پنجاه می باشد. این همان پاسخ به درخواست (و شاید بهتر باشد بگویم دستور!) وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی می باشد که از طرف نویسنده کتاب رو به آن دسته از افرادی که بنوعی در ارتباط (با چریک های فدایی) بودند، فید شده است؛ یعنی حالا که ما پیشقدم شده و تاریخی جعلی برای چریک ها می سازیم و پوچ بودن تئوری مبارزه آنها و فعالیتشان را مدعی شده ایم، شما هم باید خودتان همانند سالها و دهه های گذشته، این وظیفه را پی گیری کرده و در تداوم توهم پراکنی و ایجاد شکاف در بین آنهایی که هنوز بنوعی آن گرایش (فدایی) را دارند، گام بردارید و از همه مهمتر، رفیق کبیر حمید اشرف را تخطئه کرده و اراجیف ساخته شده از سوی ساواک و وزارت اطلاعات را در باره وی اشاعه دهید.

و اما بر خورد دیگر، که کاملاً متفاوت با برخورد اول هست، و من بیشتر روی این برخورد و تأثیر آن تکیه خواهم کرد، شیوه برخورد پرچم داران واقعی سنت انقلابی چریکهای فدائی می باشد. با انتشار اطلاعاتی چریکهای فدائی خلق ایران تحت عنوان "در افشای تاریخ نویسی جلادان بر علیه چریکهای فدائی خلق" همگان شاهد دره عمیقی بودند که بین این دو دیدگاه وجود دارد. دره عمیقی که مرز بین انقلاب و ضد انقلاب را روشن مینماید. در اینجا از دو نوشته دیگر که نیز که تأثیر بسیار مثبتی داشتند نیز یاد نمود: مقاله "تاریخ نویسی مأموران جمهوری اسلامی و خوش رقصی فرخ نگهدار" از سیهلا دهماسی و دیگری و پویژه نامه سرگشاده مادر فاطمه سعیدی (مادر شایگان) با عنوان "برای فرزندان من اشک تمساح نریزد!" که به واقع از آن باید به عنوان مانیفست دفاع از مبارزین دهه پنجاه و تئوری مبارزه فرزندان خلق از بدو شروع تا هم اکنون و در تداوم راه تا پیروزی، یاد شود.

در چنین موقعیتی بود که چریکهای فدائی خلق اعلام جلسه افشاء گری بر علیه کتاب دشمن، از طریق پالتاک را نمودند. با یک التهاب دو گانه (خوشحالی و نگرانی) انتظار این جلسه را می کشیدم، خوشحال از اینکه رفیق فریبرز سنجرى از بازماندگان انگشت شمار آن دوران جاودان و به یاد ماندنی، سخنران آن شب هستند و هر سوالی که داشته باشم می توانم براحتی مطرح و دانستنی های خودم را تکمیل و مادیت بخشم، و اما نگران از اینکه کسانی پیدا شوند و با به میان کشیدن موارد غیر ضروری و غیر لازم برای این جلسه، باعث ائتلاف وقت و ریختن آب به آسیاب دشمن شوند. اتفاقاً 15 نوامبر چریکهای فدائی خلق، نیم ساعت قبل از اعلام زمان تعیین شده باز شد (احتمالاً برای تنظیم و آزمایش موارد تکنیکی). بر عکس انتظارم نسبت به استقبال از این جلسه (با توجه به جو سازی هایی که به آنها اشاره کردم)، تعداد کثیری که منتظر باز شدن اطاق بودند (همانند خودم) با دیدن اسم اطاق، داخل شده بودند. از همان شروع، اداره کننده جلسه مشخصاً نشان داد که تا چه اندازه در اداره اطاق مهارت و توانایی دارد که یک نمونه چشمگیر این امر، پخش ویدئو کلیپ هایی بود که در طول برنامه نیز در زمانهای مناسب و بموقع نشان داده شد که حسن سلیقه و مهارت اداره کننده گان جلسه را نشان می داد.

در شروع برنامه، بخشی از فیلم "رفیق مادر" که در باره زندگی و مبارزات مادر شایگان ساخته شده پخش گردید و پس از توضیح و یاد آوری مسئول جلسه نسبت به مراعات نظم و مقررات جلسه، از رفیق سنجرى دعوت شد تا به سخنرانی خود بپردازند. اما در این هنگام بعلت بوجود آمدن مشکل فنی صدای سخنران مرتب قطع و وصل شد. معلوم شد که عوامل وزارت اطلاعات که از افشای تاریخ سازی قلابیشان وحشت دارند به ایجاد اختلال در کامپیوتر رفیق سخن ران پرداخته و می کوشند از سخنرانی جلوگیری نمایند. با ابتکاراتی به هر حال جلسه موفق به شنیدن صدای سخنران شد ولی کوشش عوامل وزارت اطلاعات برای اختلال در اتاق در تمام طول جلسه ادامه یافت تا آنجا که سخنران مجبور شد در بخش آخر از طریق تلفن با شرکت کنندگان در اتاق صحبت کند. خلاقیت مسئول آن شب در اینجا نیز جالب بود که با پخش ویدئو کلیپ های زیبا و همچنین پخش سرود با صدای رفیق حمید اشرف شور خاصی به شرکت کنندگان در جلسه داد.

در اینجا قبل از اینکه به صحبت های سخنران اصلی جلسه بپردازم، می خواهم مواردی را از آن شب بیان کنم، اتفاق هایی (باهم شدن - یکی شدن) که باعث خشم - کین بیشتر حضار از عوامل مزدور، جیره خوار و خود فروخته، گشت، چرا که عوامل توده ای - اکثریتی با تکس زدن های وقیحانه خود از طرفی و اطلاعاتی های رژیم از طرف دیگر با فرستادن ویروس هایی با نشان و سمبل سیاهی و شمشیر های برهنه سعی کردند تا این جلسه را به تعطیلی بکشاند. اما، چه توهم خام و پوچی. اولاً بخاطر همین مورد، مسئول جلسه بموقع چندین بار همه را قرمز کرده و یک بار هم ناچار شد اطاق را بسته و بار دیگر باز نماید، ثانیاً، جلسه ای که قرار بود دو الی سه ساعت باشد تا شش ساعت ادامه داشت و این نه تنها

ارائه بحث اصلی جلسه ، که شرکت فعال حاضرین (حدوداً 248 نفر) و تعداد زیادی که وقت گرفته (هر کدام ده دقیقه) را شامل می شد. در این میان مهم تر از هر چیز، یکپارچه گی و هم رایی شرکت کنندگان بر علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران در تحریف تاریخ سراسر قهرمانانه و پر افتخار چریکهای فدائی خلق و بر علیه کتابی که باید به عنوان یکی دیگر از جنایات ساوامای رژیم اسلامی و تلاش اش در تطهیر جنایات ساواک شاه به حساب آید، بسیار چشمگیر بود. رفیق سنجرى ابتدا در توضیح کوتاهی با قدر دانى از حضور شرکت کنندگان، از وقفه ای که در ارائه بموقع بحث پیش آمد از تمامی پوزش و عذر خواهی کرده و به بحث خودشان پرداختند. ابتدا شمه ای از تاریخ انتشار، توزیع، عوامل دست اندر کار و اهداف کتاب منتشره را بیان کرده و تأکید نمود که سعی و تلاش تدوین کنندگان کتاب دشمن از نشر آن ، نا امید کردن جوانان از هر گونه کار مبارزاتی و تشکیلاتی می باشد و تأکید نمود که همین امر تا چه اندازه برای دستگاه امنیتی مورد توجه است. سخنران با هشدارى به همه مبارزین در راستای افشای این حرکت رژیم اسلامی، توجه حصار را به این موضوع مهم جلب نمود. در ادامه رفیق، مطرح کرد که با علم به اینکه کسانی ممکن است به علت عدم امکان دسترسی به کتاب و یا به هر دلیلی دیگر آن را مطالعه نکرده اند، خلاصه ای از نکات برجسته کتاب را طرح نموده و پس از بررسی اجمالی، تأکید کرد که چطور نویسنده گان آن تلاش دارند ماهیت مبارزات آگاهانه و صادقانه چریکها با رژیم دیکتاتور شاه را وارونه جلوه دهند . سخنران سپس گفت که رژیم می کوشد با تحریف شکل کار انقلابی چریکها، آنها را به گانگستریسم منتسب کرده و طوری وانمود میکند که انگار کسب و کار چریکها مرگ بوده است تا به این وسیله نگذارند تا نسل جوان واقعیت سلاح به دست گرفتن چریکها که دقیقاً در جهت آزادی و رهایی مردم از زیر سلطه امپریالیسم و رژیم شاه بود ، و حتی جان خود را در این راه گذاشتند، پی ببرند. حالا طنز تاریخ را شما ببینید که، کسانی که بساط دار و شکنجه را توی خیابانها راه می اندازند و هزاران جوان این مملکت را تاکنون سر به نیست کرده اند ، حالا مدعی می شوند که نه خود آنان بلکه چریکها کسب و کارشان مرگ بوده است . این حرف ها را کسانی می زنند که تمامی مردم شاهدند که در دوران حکومت آنها ، چندین نسل به نیستی کشیده شده است.

سخنران در بخش دیگری از صحبت خود با اشاره به یکسری اراجیف بافته شده توسط نویسندگان کتاب از جمله این تحریف آشکار که "در هنگامه انقلاب، زمانی که مردم برای بازرگان، نخست وزیر منتخب امام هورا می کشیدند، چریکها در تنهایی مطلق، در گوشه ای از زمین چمن دانشگاه تهران جمع شده بودند تا با سر دادن ، ایران را سراسر سیاهل می کنیم ، سالگرد رستاخیز سیاهل را گرامی بدارند و این گونه بی ارتباطی و بی ربطی خودشان را با ذات مردم ، نشان دهند."، توضیح داد که چگونه نویسندگان کتاب واقعیات تاریخی را تحریف نموده و استقبال وسیع توده ای از چریکهای فدائی در آن سالها را به تجمع عده ای در گوشه چمن دانشگاه تهران تبدیل کرده اند و تأکید کرد که خلاصه، این کتاب در هیچ زمینه ای نیست که چریکها را آماج حملات زهر آگین خود قرار نداده باشد و به واقع باید گفت و تأکید کرد که ما با یک حمله همه جانبه در گیر هستیم.

با ارائه پیش گفتاری کوتاه و مفید، رفیق سنجرى مطرح کرد که کتاب دشمن را از زوایای بسیاری می شود بررسی و باز کرد که این نیاز به زمان بیشتری دارد و در وقت این برنامه بعلت کمی وقت نمی گنجد. در اینجا عمدتاً به موردی خواهد پرداخت که حجم بسیاری از کتاب را در بر گرفته و پایه و اساس یکی از تهمت ها به چریکها قرار دارد. او گفت که کتاب دشمن با استناد به دو نامه که ادعا می شود که بوسیله رفقای این تشکیلات نوشته شده اند ، هم به چریکها اتهام جاسوسی زده می شود و هم اتهام تصفیه مخالفین فکری !!! و مطرح ساخت که تلاش میکند تا در ادامه بحث بیهوده بودن این ادعا را نشان دهد. در ادامه معلوم شد که چطورى نامه های جعلی که بدست ساواک رژیم شاه ساخته شده ، اکنون و در این زمان به عنوان اسنادی جلوه داده می شوند که بر اساس آن می خواهند چهره پاک باخته ترین کمونیستهای ایران را مخدوش سازند. رفیق سنجرى به تفصیل با بازگویی وقایع و رخدادهای دوران دهه پنجاه و با استناد به موارد عینی، مسائل را باز شکافی کرده و با مطرح کردن فاکت های کاملاً مادی، از پوچ بودن و اتهام زدن نویسنده گان کتاب ، پرده برداشت. او با تأکید بر عملکرد بنیانگذاران سازمان و تعریف شرایط دهشتناک زیر باجوئی و نامه سازی ساواک ، نشان داد که چگونه نویسندگان کتاب دشمن، تلاش می کنند ساواک را از این همه جنایت تبرئه کرده و با استفاده از سندهای بدون امضاء و دروغ ساواک ، چریکهای فدائی را مورد اتهام قرار دهند.

در بخش دوم از برنامه به افرادی که برای ارائه بحث نوبت گرفته بودند، به هر کدام ده دقیقه فرصت صحبت داده شد تا سنووال یا بحث خود در این رابطه را طرح نمایند. یکی از ویدئو کلیپ هائی که در این قسمت از جلسه پالتاکی نشان داد شد، قسمتی از ویدئو کلیپ "صمد در قلب من است!" بود که با گرامی داشت یاد رفیق گرانقدر علی رضا نابدل پخش گردید.

در بخش پایانی جلسه شش ساعته ، رفیق فریبرز سنجرى با تشکر و قدردانی از حوصله و حضور طولانی حصار در اطاق ، در رابطه با خواست مسئول جلسه مبنی بر جمع بندی و پیام ، اظهار داشت من فکر می کنم که این داستان تازه شروع شده و بحثی است که باید زوایای مختلف آن مورد بحث قرار بگیرد و به همین دلیل هم الان زمان جمع بندی نیست. او تأکید کرد که این کتاب همان طور که گفتم واقعاً مشتکی لجن است که به چهره آفتاب و حقیقت پرتاب شده است و ما در این فرصت کوتاه توانستیم زوایای خیلی کوچکی از آن را مورد بحث قرار دهیم.

بنابراین، رفیق سخنران به جای جمع بندی با اشاره به نامه رفیق مادر شایگان گفت: "من فکر می کنم بهترین پیام برای شما ، همان حرفهای رفیق مادر ، مادر همه رفقای فدائی ، مادر همه مبارزین باشد که به شما گفت: تا من زنده ام و می توانم شهادت بدهم ، هرگز نمی گذارم و اجازه نمی دهم خون فرزندان چریک فدائیم ، از جمله خون رفقا ارزنگ و ناصر در دست شما دشمنان مردم ، وسیله ای برای فریب ستم دیده گان و سیاه کردن روزگار آنان تبدیل شود ، برای فرزندان من اشک تمساح نریزید ، شما همان کسانی هستید که کودکان معصوم و جگر گوشه های خانواده ها را با دادن کلید بهشت به دستشان فریفته و جان عزیزشان را با فرستادن آنها به میادین مین می گرفتید . بنظر من مادر شایگان، این رفیق عزیز بهترین پیام ممکن را به دشمن داده است" و سپس خطاب به مزدوران وزارت اطلاعات گفت: شما ها بدنام تر و رسوا تر از آن هستید که بتوانید با چنین تشبیهاتی در عشق مردم به انقلابیون ، در عشق مردم به مبارزین ، در عشق مردم به فدائیان، کوچکترین خللی ایجاد کنید .

دهه پنجاه یکی از پر شور ترین ، یکی از زیباترین مبارزات مردم ما بوده و دستاوردهای بزرگی داشته که غیر قابل انکار است و شما هایی که هزاران تن از جوانان این مملکت را در میدانهای جنگ به کشتن دادید ، شما هایی که میلیون ها جوان این مملکت را به مواد مخدر آلوده کردید ، شما هایی که نیمی از جمعیت این کشور را اسیر حجاب اجباری اسلامی تان کردید و زنان را در زیر چادر از حق آزادی پوشش شان محروم کردید ، شما نمیتوانید دم از آزادی و دموکراسی بزنید و تازه مزخرف تر

از آن ، صحبت از این بکنید که چریکهای فدائی خلق نسلی را به باد دادند. شما خودتان بر باد دهنده همه نسلهای این مملکت در این سی سال بودید و جنایاتتان را به هیچ وجه ، هیچ ایرانی شرافتمندی نه فراموش می کند و نه فراموش خواهد کرد و نه در آینده فراموش خواهد شد. پاسخ واقعی مردم ما به شما ، همان پاسخی است که جوانان ما ، مردم ما در کوچه و خیابان هر روز به شما میدهند و شما را مجبور کردند که برای نشان دادن قدرت خودتان ، جوانان را آفتابه به گردن در خیابانها گردانده و شلاق بزنید. پاسخ جوانان ما به شما جنایتکاران چنین است: "ما زن و مرد جنگیم ، به جنگ تا بجنگیم".

و پایان بخش جلسه « سرود همبستگی جهانی کارگران » بود.
به این ترتیب یکبار دیگر طشت رسوایی سربازان گمنام امام زمان ، جیره خواران و مزدوران رژیم اسلامی به صدا در آمد ، آنچنان صدایی که داروغه های شب زنده دار و عربده کش ، از خواب مستانه پیروزی با حالتی آشفته و زار، پریدند و صورتگان خود را به وپروس های مزین به سیاهی و شمشیر های برهنه و عریان ، در آوردند ، و چه مایوسانه خود را به در و دیوار کوباندند!!!

اما لاله های سرخ به رویش ذاتی خود ، رو به تکامل و سر افزانه به ادامه راه و به آینده ای نوین لبخند شادی زدند.

2008/11/20

زیر نویس ها :

* : البته برخورد های دیگری هم بود که کتاب دشمن را محکوم کرده ولی شرمگینانه از اشتباهاتی !!! سخن به میان آوردند!

** : از این طیف مشخصاً می توان به فرخ نگهدار (در باره کتاب « چریک های فدایی خلق » مهر ماه 1387 لندن)

جلال توکلیان (دانه و جوانه ، فدائیان خلق: از آرمانخواهی تا پول پوتیسیم)

بیانیه مشترک دو سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیرامون کتاب " چریک های فدایی خلق "

نصیر تبریزی

nasirtabrizi@yahoo.com